

سرایان

بسم الله الرحمن الرحيم

نکات مهم شب امتحان

عربی یازدهم

خانم شهرابی

درس یک:

عین اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل، اسم مکان:

ویژگی های اسم
هستند و محل اعراب
به حساب نمی آیند.

توجه به وزن کلمات
مهم می باشد

به مفرد کلمه توجه
می کنیم



درس یک:



۱- مجرد: به وزن «فاعِل» می رود: طَلَّاب: طالِب: فاعِل

۲- مزید: مُـ — (حرف ماقبل آخر اصلی) مُرْسِلین

ترجمه: کنندہ - — نده ← ارسال کنندگان

اسم
فاعل

درس یک:



۱- مجرد: به وزن «مفعول» می رود: مقطوع: بریده شده

۲- مزید: مُـ ـَ (حرف ماقبل آخر اصلی) مُحَمَّد: ستایش شده

ترجمه: شده

اسم
مفعول

درس یک:



مَفْعَل (ة): مَطْبَخ (آشپزخانه) مَطْعَم (رستوران)

مَفْعِل: مَجْلِس - مَسْجِد - مَنْزِل - مَوْقِف (ایستگاه)

مَفَاع (جمع): مَدَارِس - مَلَاعِب

اسم مکان

با مَ شروع
شود و معنای
مکانی بدهد

درس یک:



۱- فَعَّال: عَلَّام (بسیار دانا) غَفَّار (بسیار آمرزنده) صَبَّار

۲- فَعَّالَه: عَلَّامَه (بسیار دانا) فَهَّامَه (بسیار فهمیده)

نظَّارَه (عینک) فَتَّاحَه (دربازکن) سیَّارَه (خودرو)

اسم مبالغه

شغل

ابزار

صنعت

صفت (بسیار)

درس یک:

اسم

تفضیل

۱- أَفْعَل: احسن - اکبر - أَفْضَل

۲- فُعَلی: دنیا - حُسْنی - کُبْری

۳- اِفَاعِل: اراذل - اکابر - افاضل

۴- أَفْل: أَحَبَّ - أَقْل - أَهَمَّ (أَحَبَّ مَنْ: محبوبتر) (أَحَبَّ الْأَعْمَالِ: محبوبترین کارها)

۵- أَفْلی: أَعْلَى (بلندتر) ابقی - اقوی

۶- خیر و شرّ - آخر و أُخْری - اوّل و أُولی



درس دو:

اسلوب شرط: اِنْ (اگر) - مَنْ (هرکس) - ما (هرچه) - اذا (هرگاه)

مجزوم در مضارع: تغییر ظاهری



اِنْ تَحْتَرَمُوْا^ن الْاٰخِرِيْنَ تَكْتَسِبُوْا^ن حُبَّهْم

فعل شرط^ا التزامی (ب) جواب شرط^ا اخباری و (می)

اگر به دیگران احترام بگذارید، دوستی آنها را به دست می آورید.

درس دو:

جواب شرط: گاهی به صورت جمله اسمیه همراه با (فَ) می آید.



مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ

هر کس بر خدا توکل بکند، او برایش کافیست.

فعل شرط و جواب شرط اگر مضارع باشند، باید مجزوم — **ن** شوند.

إِنْ تَزْرَعْ خَيْرًا تَحْصُدْ فِي الْآخِرَةِ

درس دو:

إِنَّ (قطعاً)

إِنْ (اگر)

أَنْ (که)

مَنْ وسط جمله (کسی که)

مَنْ اول جمله (شرط: هر کس)

مِنْ حرف جر (از)



درس سه:

معرفه: ۱ - ال: المعلم

۲ - عَلم: حسین - اصفهان (با وجود تنوین باز هم معرفه به عَلم هستند)

نکره: ترجمه: ی - یک - یک...ی

کتاباً: کتابی - یک کتاب - یک کتابی

* خبر اگر نکره باشد، نیازی به نکره معنا کردنش نیست.

العلمُ کنزٌ (دانش گنج است)

خبر ↑ نکره



درس سه:

اگر اسمی ۲ بار در جمله بیاید:

بار اول، نکره و بار دوم، معرفه به ال، اسم معرفه با آن / این ترجمه می شود.

رَأَيْتُ مُعَلِّمًا. كَانَ الْمُعَلِّمُ فِي الْمَدْرَسَةِ

معلمی را دیدم. آن معلم در مدرسه بود

نکره معرفه



درس چهار:

عَيْنُ جُمْلَةٍ تَصِفُ النَكْرَةَ: جمله بعد از نکره ← جمله وصفیه (که)

رَأَيْتُ طِفْلاً يَمْشِي بِسُرْعَةٍ فِي الْمَدْرَسَةِ (کودکی را دیدم که در مدرسه به سرعت راه می رفت).

↑ استمراری

ماضی ↑ نکره ↑ جمله وصفیه (مضارع استمراری)

۱- ماضی + نکره + مضارع ← استمراری (می + ماضی)

ترجمه جمله وصفیه:

۲- ماضی + نکره + ماضی ← ماضی بعید / ساده

۳- مضارع + نکره + مضارع ← مضارع التزامی (ب) / اخباری (می)



درس چهار:

مضارع منصوب: أَنْ - لَنْ - كَى - لِكَى - حَتَّى - لَ

۱- تغییر ظاهری: ← نَ (به جز هَنَّ / أَتَنَّ) حَتَّى يَحْكُمَ لَنْ تَنَالُوا

۲- تغییر معنایی:

أَنْ: که ← التزامی (بِ) أَنْ يَذْهَبَ (که برود)

حَتَّى - كَى - لِكَى - لَ ناصبه: تا الزامی (بِ)

لَنْ ← آینده منفی (نخواه) حَتَّى تُنْفِقُوا: تا انفاق نکنید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

در صورتی که قید زمان (غَد: فردا) - قَادِم - مستقل (آینده)

بعد (بعد) باشد نیاز به لَنْ بیشتر است

إِلَى ← إِلَى مشهد غَدًا (فردا)

إِنْ يَذْهَبُ (اگر برود) - لَمْ يَذْهَبُ (نرفت) - لَنْ يَذْهَبُ (نخواهد رفت: آینده)



درس پنچ و شش:



مضارع مجزوم: لم - لای نهی - لِ امر غائب و متکلم (لِ جازمه)

۱- تغییر ظاهری: ← نْ (به جز هنَّ / آتَنْ) لم یَسْخَرُ (مسخره نکرد، مسخره نکرده است) لا تَحْزَنُوا نْ

۲- تغییر معنایی:

لم + مضارع ← ماضی منفی / ماضی نقلی منفی (ام - ای - است - ایم - اید - اند)

لای نهی ← نْ: ۱- غائب: نباید (لا یَذْهَبْ: نباید برود) ۲- مخاطب: نْ (لا تَذْهَبُوا: نروید)

لای منفی تأثیری در اعراب آخر ندارد: لا یَذْهَبُونَ (نمی روند)

لِ جازمه: معمولا اول جمله می آید و قبلش معمولا (وَ - فَ) می آید: (فَلِیتَوَكَّلْ: باید توکل بکند)

درس پنج و شش:

تفاوت لِ جازمه و لِ ناصبه:

- ۱- لِ جازمه (باید): معمولا اول جمله - قبلش (و - ف) می آید. وَ لِيُعْتَمِدَ (باید اعتماد بکند) - نَ
- ۲- لِ ناصبه (تا): وسط جمله - التزامی - نَ اَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ لِأَدْرَسَ الْعَرَبِيَّةَ (تا درس بدهم)

لِ + اسم یا مصدر: برای لِلْمُعَلِّمِ (برای معلم)

لِ + ضمیر: معادل دارم - داری - دارد... لِلتَّعَلُّمِ (برای یادگیری)

مصدر تفَعَّلَ ↑ که اسم به حساب می آید

لَكَ: داری لَنَا: داریم



درس هفت:

افعال ناقصه: کان یکون (می باشد) صار (شد) یصیر (شد) أصبح (شد) یصبح (نیست) لیس (نیست)

خانواده کان:

۱- کان + مضارع = ماضی استمراری کان یذهب (هو): می رفت

۲- کان + ماضی + بعید (بود) کان ذهب (هو): رفته بود

۳- کان + قد + ماضی = بعید (بود)

۴- کان + ل = داشت کان لی سریر: تختی داشتم

۵- کان + عند = داشت

۶- کان: بود

۷- کان: است

